

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

## خرج و برج و حسن ظنّ به خدا

پرسش: می‌گویند: کسی است که در طول روز، در سه جای مختلف پی‌درپی کار می‌کند؛ شبانه‌روز دائماً به دنبال کار می‌دود. وقتی هم به او می‌گویند به رزاقیت خدا اعتماد کن، می‌گوید رزق خدا فقط برای کرایه‌ی خانه‌ام بس است؛ هزینه‌های دیگر من تأمین نمی‌شود و باید کار کنم.

پاسخ: حرفی که این شخص زده، به یک معنا درست است. ما یک خرج داریم و یک برج. خرج؛ هزینه‌های واقعی زندگی انسان است و برج؛ هزینه‌های تشریفات و تجملات و مانند اینهاست. در روایات داریم، کسی که به کفاف، یعنی به نیازهای واقعی زندگی خود قناعت کند، نیازهای واقعی زندگی به سادگی تأمین می‌شود. چنین شخصی نیازی به اینکه مثلاً، در شبانه‌روز در سه جا کار کند ندارد. اما غالباً ما انسان‌ها گیر برج‌هایمان هستیم؛ گیر هزینه‌های تشریفات و تفننی و هزینه‌های غیرضروری زندگی هستیم. آنجاست که شخص می‌لنگد و سه جا که هیچ، سی جا هم که کار کند، درآمدش به هزینه‌هایش نمی‌رسد؛ چون فرمود: اگر کسی به کفاف، قناعت نکند، تمام دنیا را هم به او بدهی، پاسخگوی او نیست؛ لذا باید بدود. اگر این فرد به زندگی همراه با قناعت تن دهد؛ به زندگی در حدّ ضرورت‌های واقعی، به زندگی بدون مُد، بدون تجمل، بدون تشریفات، بدون چشم و هم چشمی و بدون به رخ هم کشیدن و مانند اینها قناعت کند؛ خواهد دید که لازم نیست این قدر بدود. تأمین نیازهای واقعی او را خدا تضمین کرده، و با ساعات متعادلی کار، به نحوی که برای عبادت، تفریح، استراحت، مطالعه، رسیدگی به زندگی خانوادگی و مانند اینها هم فرصت بماند، کاملاً زندگی اداره می‌شود و هیچ کمبودی هم نخواهد داشت.

پرسش: در ابتدای جلسه فرمودید: هرطور بیندیشی، خدا همانطور به تو عطا می‌کند و بدین ترتیب، حُسن ظن مطرح شد؛ ولی در آخر جلسه، فرمودید: خودتان را به دست خدا بسپارید؛ یعنی خواست عبد همان خواست خدا گردد؛ درحالی‌که ابتدا خواست عبد مطرح بود، لطفاً مسأله را حل بفرمایید.

ابتدا گفتیم هرگونه به خدا حُسن ظن داشته باشید، در مورد شما همان‌گونه عمل می‌شود. در آخر هم گفته شد که به ربّ خود اعتماد کن و اصلاً در کار او دخالت نکن. تا وقتی خواسته‌ای داری، آن خواسته را از خدا بخواه، و برای اینکه آن خواسته هم اجابت شود، به خدا اعتماد کن؛ یقین و حسن ظن داشته باش که خدا تو را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. اما اگر به حدّی رسیدی که خواسته‌ای نداشته باشی، مرحله‌ی کاملتری است. مرحله‌ای است که در آن، خواست عبد به کلی از بین رفته باشد و عبد از خودش در برابر ربّ هیچ خواسته‌ای نداشته باشد، آن موقع طبیعی است که عبد خود را به دست خدا می‌سپارد و خدا هرگونه مصلحت دانست، روی او کار می‌کند. این دو کلاس مختلف است؛ ولی حسن ظن لازمه‌ی هر دوی آنهاست؛ هم آنجا که می‌خواهی دعا کنی و دعایت اجابت شود، باید به خدا حسن ظن داشته باشی، و هم جایی که می‌خواهی خودت را به دست خدا بسپاری تا هرکاری مصلحت دانست با تو بکند. اینجا هم باید حسن ظن داشته باشی. لذا وثوق و اعتماد به خدا در هر دو لازم است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ